



جان بولتون / مشاور امنیت ملی سابق ترامپ / مترجمان: مهسود میرزایی و بهجت عباسی

ضربه عقب‌نشینی از سوریه

سؤال دیگر این بود که دقیقاً چقدر زمان برای نیروهای امریکا و نیروهای ائتلاف لازم است تا بتوانند به صورت ایمن و منظم سوریه را ترک کنند؟ برآورد ارحانی که زیر نظر ژنرال دانفوردر ستاد مشترک ارتش کار می کردند حدود ۱۲۰ روز بود؛ مطمئناً موضوع خروج از سوریه نمی‌توانست در عرض ۴۸ ساعت اتفاق بیفتد. من خواستار نگاه‌داشتن نیروها در منطقه ممنوعه و دورافتاده التنف در داخل خاک سوریه و در نزدیکی مرز اردن و عراق به جای شمال شرق آن کشور شدم، مناطقی که توسط نیروهای امریکایی کنترل می شد. کنترل التنف در واقع یک گذرگاه کلیدی مرزی را در جاده بغداد – دمشق خنثی و از مدار خارج کرده بود که به همین دلیل ایران و دیگران مجبور بودند برای اینکه بتوانند از عراق وارد سوریه شوند، به سمت شمال بروند و مسافت طولانی‌تری را طی کنند. در کمال تعجب متیس در مورد اهمیت منطقه التنف مردد بود، احتمالاً به این دلیل که او به جای ایران، تمرکزش بیشتر روی داعش بود. اما نگرانی و دغدغه اصلی من همواره ایران بود و به همین دلیل در دوره خدمتم به عنوان مشاور امنیت ملی قاطعانه حمایت از نفوذ در مورد التنف ایستادگی کردم. وانگهی ما چرا باید سرزمین‌های تحت کنترل خود را در مقابل هیچ، واگذار می کردیم؟ همان‌گونه که توافق کرده بودیم، متیس، دانفوردر، پمپئو و من شروع کردیم به تماس گرفتن با متحدان‌مان تا آنها را برای آنچه که قرار بود اتفاق بیفتد، آماده کنیم ولی هیچ نوع اعلامی که حکایت از حمایت آنها داشته باشد، دریافت نکردیم. این‌تن مشاور رئیس جمهوری فرانسه به من گفت که مکرون قطعاً می‌خواهد درباره این تصمیم با ترامپ صحبت کند که تعجبی هم نداشت. واکنش سایر کشورها هم به همین نسبت قابل پیش‌بینی بود. بعد از ظهر همان روز که تماس تلفنی با مکرون برقرار شد، من هم در اتاق بیضی نزد ترامپ بودم و کاملاً مشخص بود که مکرون ناراحت است. ترامپ اهمیتی به این ناراحتی نداد و گفت: ما داعش را تمام پذیرفت که دیوارها با مشاورانش مشورت کند و از من خواست که حتماً با افراد مکرون صحبت کنم (من قبلاً این کار را کرده بودم) و متیس و دانفوردر هم باید با هم‌تانیان فرانسوی خود گفت‌وگو کنند. تقریباً بلافاصله پس از این مکالمه متیس تلفن کرد و گفت که «فرانسور پارلی» وزیر دفاع فرانسه از تصمیم ترامپ رضی نیست، «ران درنر» رئیس اسرائیل هم به من گفت: وقتی خبر تصمیم ترامپ را شنیدم بدترین روز کاری خود را تجربه کردم بویژه به این دلیل که چنین تصمیمی در این دولت اتخاذ شده بود.

راهبردهای خنثی‌سازی و رفع تحریم

ما در هر دو مورد درک تازه‌ای از زمان و «دقیقه و ساعت» کنونی را داشته‌ایم که نشان می‌دهد در فشرده‌گی کپسول زمانی روزهای آتی و حداکثر یکی دو ماه آینده، ما با ایران تقویمی عادی نداریم. نگارنده پیش‌تر در یادداشتی (علیه) مقاومت اجتماعی، ۲۷ مهر ۱۳۹۹ اشاره کرده بودم که یک جریان سیاسی بنای خود را بر یک استراتژی مبتنی بر کاهش آثار تحریم قرار داده اما ضروری است استراتژی سه‌ستونه‌ای را که شامل عقب‌راندن تحریم، رفع تحریم، کاهش آثار تحریم (خنثی کردن تحریم) و افزایش مقاومت اقتصادی – اجتماعی است، بنا و دنبال کنیم.

این استراتژی سه‌ستونه الزاماتی در حوزه کنش‌ها، روش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و خارجی دارد. برای خنثی کردن تلاش‌های ضدبرجامی خارجی باید توجه داشته باشیم که به هماهنگی و ایجاد موازنه میان «ساعت تحریم‌شکنی» و «ساعت خنثی کردن تحریم» نیاز داریم. این دو ساعت البته سرعت و آهنگ یکسانی ندارند. بدون تردید آنچه که کاملاً در اختیار ماست و بدون دخالت هیچ متغیر خارجی می‌توان به‌سرعت دنبال کرد، از این بردن آثار تحریم با همراه کردن جامعه است و در جریان تحریم‌شکنی باید هوشمندانه به‌پیش برویم. مخالفان خارجی تحریم‌شکنی می‌گویند ساعت تحریم‌شکنی، از آزار بیندازند. آگاهان اجماع باید دارند که دشمنان خارجی برجام همه تلاش خود را برای عدم تکرار تجربه برجام به کار برده می‌برند و هیچ برجام یا تحریم‌شکنی را بر نمی‌تابند. سیاست‌هایسنگی سازنده و مسالمت‌آمیز مبتنی بر تقویت منافع متقابل مشروع و تلاش برای ساختن منطقه‌ای قوی‌تر، باطل‌کننده این‌گونه تلاش‌هاست. خنثی‌سازی تحریم و ستم‌گیری به سوی جهش تولید به‌سبب محیط امن منطقه‌ای و به دست آوردن بازار منطقه‌ای است که به روی گالی ایرانی گشوده باشد و هم‌زمان مرادوات اقتصادی و فرهنگی با همسایگان را جبهش‌وار ارتقا دهد. درست در همین نقطه است که شاهد تفرقه‌افکنی صهیونیستی هستیم که به دو شکل مختلف در جهت ایجاد شکاف و تعمیق اختلاف با تبدیل رقاب‌ها به دشمنی تلاش می‌کند. یقه‌باف‌های دارد. خنثی‌سازی تحریم‌های امریکایی همچنین به این معناست که اجازه ندهیم طرف‌های خارجی سدها و مرزبندی‌های خصم آلود میان ما و همسایگان را معماری کنند. (از جمله برخی اقدامات غیرقابل قبول مانند حمله به برخی سفارتخانه‌ها و...) خنثی‌سازی تحریم‌ها به این اعتبار خنثی‌سازی آن مین‌هایی هم هست که امریکا در مسیر بدنام‌کردن ایران به‌کار گذاشته. خنثی‌سازی آن مین‌هایی هم هست که در نظام مالی جهان به شکل محدودیت‌های مالی افای‌تی‌اف در صورت عدم مواجهه منطقی و هوشمندانه علیه ما کارگذاری شده است. این موارد نشان می‌دهد که خنثی‌سازی تحریم و رفع آن توانمان نیازمند هماهنگی میان بخش‌های مختلف حاکمیت و رفتارشناسی از رفتارشناسی است که امروز عرصه سیاست داخلی را پر کرده‌اند.

الزامات سیاست داخلی باید در دو بعد اقتصادی و اجتماعی تحقق پذیرد. من معتقدم در این دوران باید استراتژی‌های توسعه اقتصادی ما بیشتر به اقتصاد اجتماعی گرایش داشته باشد. خوشبختانه در سه‌ماه دوم سال ۹۹ شاهد خروج از رکود بودیم. تداوم این امر باید سیاست‌های اقتصادی است که همه قوای آن را حمایت کنند. می‌توان با حذف رویکردهای متعارض و خنثی‌کننده به مسائل مهمی مانند اصل ۴۴ و مشارکت دادن مردم در اقتصاد و امنیت سرمایه‌گذاری و حمایت از مدیران اقتصادی که در کانون جنگ اقتصادی قرار دارند و کاهش هزینه‌های جاری توسط همگان، رشد اقتصادی را تداوم داد. منظور از اقتصاد اجتماعی توجه به سیاست‌های توسعه اقتصادی است که به نحوی، زیرساخت‌های توسعه‌ای که این سال‌ها پدید آمده با زندگی روزمره مردم و معیشت آن‌ها ارتباط برقرار کند و اثر ملموس بر بهبود زندگی ایشان داشته باشد. من افزایش سرمایه‌ اجتماعی و اعتماد عمومی را از سیاست خارجی و برنام‌های اقتصادی مناسب، مهم‌تر می‌دانم. ما امروز شاهد تغییر هابی هستیم که جز کاستن از سرمایه اجتماعی هیچ اثر معنادار دیگری ندارند. اگر جامعه احساس کند که همگان از سر دلسوزی درصدد تقویت برنامه‌هایی هستند که به آن رای داده‌اند، می‌توان به سرمایه اجتماعی امید داشت. عبور از بحران تحریم به سرمایه اجتماعی بزرگ نیاز دارد. همگان باید دولت به مفهوم اعم را صاحب حق در مقابل نیز نویساند و تحریم بدانند تا به یاری آن دولت بتوانند مسائل حاد حق‌تلاست در بالا و هماهنگی بالایی‌ها نقش بی‌بدیلی در برآور جامعه خواهد داشت. پیگیری سیاست‌های مبتنی بر مدارای اجتماعی و حفظ حریم خصوصی مردم و احترام به نهادهای مدنی و سعی در ایجاد و گسترش ارزش‌های مشترک و ایجاد جامعه‌ای با نشاط و شادان و امیدوار می‌تواند این الزام اجتماعی را محقق کند. اکنون که انگشتی راهبری، حجت را تمام کرده باید از امروز، گفت‌وگوی اجتماعی و سیاسی جامعه را نه حول مشاجره بی‌فایده برپا روم دو قطبی رفع تحریم و خنثی کردن تحریم، بلکه با اجماع در خصوص همستگی این دوواهرد و قرار گرفتن آنها در امتداد هم ادامه بدهیم و دولت را برای به ثمر نشاندن و به نتیجه رساندن هر دوی این اهداف هم پیچیده‌و مشترک همراهی کنیم. رهنمودهای رهبری که همواره راهنمای عمل دولت بوده و هست، زمانی به بهترین وجه محقق می‌شوند که همگان خود را مخاطب آنها خوانند و بدون تعبیر به رای، به همان صراحتی که هست، مبنای سیاست‌ورزی قرار گیرند. من تصور می‌کنم اگر بعد از سه‌ماهه می‌تواند چرت مناسبی برای سیاست‌ورزی در عرصه داخلی و خارجی به منظور خنثی‌سازی و توان‌مان رفع تحریم‌ها باشد.

- شنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۹
- سال بیست و ششم
- شماره ۷۵۲۰

گفت و گو با محمد مسجد جامعی سفیر سابق کشورمان در واتیکان و مغرب

مختصات ترکیه جدید

■ بیشتر نگاه‌های مابه سمت امریکا و اروپا است، مثل بحث گفت‌وگوی دینی، هم‌ااش به سمت مسیحیت غربی است به‌جای آنکه به مسیحیت بومی خاورمیانه نگاه‌کنند.
بله. بخش مهمی به این علت است. اصولاً در ایران به دلایل مختلف مسائل بدین‌گونه شکل گرفته‌اند. فرض کنید هم‌اکنون بزرگ‌ترین و مهم‌ترین طرف بازرگانی ما در حال حاضر چین است، ولی اطلاعات ما در مورد این کشور خیلی کم است. میزان اطلاعات ما، درباره چین به عنوان یک قدرت بزرگ نظامی و سیاسی، بلکه حتی به لحاظ اقتصادی واجتماعی و حتی به لحاظ مسأله مسلمان‌هایش بسیار اندک و اولیه است. مشکل فقط این نیست که مثلاً بخش‌های سیاسی یا نظامی یا اطلاعاتی ما احتمالاً درباره او کم می‌دانند، اساساً اطلاعات عمومی ما در سطح جامعه باید به مراتب بیش از این مقداری باشد که هست، می‌دانید در اسرائیل پیش از هر جامعه دیگری کتاب خوانده‌می‌شود.
■ از چه زمانی و چرا ترکیه سیاست دخالت و تأثیرگذاری در منطقه را آغاز کرد و سیاست «تنش صفر با همسایگان» را کنارزد؟
این از اوایل داستان انقلاب‌های بهار عربی است، اگرچه از همان ابتدا هم به دخالت وسوسه می‌شد، اما عملاً از نیمه دوم دهه دوم است که دخالت‌هایش آغاز شده. شاید اولین حضور نظامی‌اش در عراق مهمی است و رابطه سالم دو جانبه با آن خیلی مهم و بلکه ضروری است. صحبت در مورد ترکیه هم مفصل است و هم لازم. مثلاً سانه‌ها در مورد همسایگان‌مان خیلی کم می‌دانیم. فقط در مواقع بحرانی است که حساس است می‌شویم و اینکه چه شد و چه اتفاق افتاد.

در مورد ترکیه هم به همین صورت است. کسی که روند تحولات ترکیه را در سال‌های اخیر بداند، خیلی تعجب نمی‌کند از مسأله‌ای که اتفاق افتاد. این در امتداد همان به اصطلاح ذهنیتی است که بر ترکیه حاکم است. لذا غافلگیر شدن کنونی چندان مفهوم نیست. چون مدت‌ها می‌دانستیم که ترکیه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در حال نفوذگذاری و بسط نفوذ در مناطقی است که این مناطق به لحاظ استراتژیکی و به لحاظ ژئواکونومیکی به نفعش است. این واکنش سریع که این‌ها درست و به جا هم بود- اگرچه بیش از اندازه بدان حساسیت نشان داده شد- ناشی از این است که ما همسایگان‌مان را نمی‌شناسیم و مخصوصاً روند تحولات در آن‌ها را نمی‌دانیم. اگر همسایگان کشورهای دیگر کافی است، البته اطلاعات، دقیق‌ها هم، تر این است که این اطلاعات پردازش شود و بتواند به تجزیه و تحلیلی راهبردی تبدیل شود. بدون تحلیل علمی و بی‌طرفانه با مشکلات فروانمی‌مواجه خواهیم شد.
■ ما معتقدیم که ایران‌ای می‌تواند به غافلگیر شوند. این را از کجای می‌فایید؟
این نوع واکنش نشان دهنده این است که به عنوانی غافلگیر شده‌اند. یعنی توقع نداشته‌اند که این چنین مطلبی توسط همسایه‌شان بیان بشود. مورد بخش‌های دیگر و بویژه رسانه‌ها هم هست. یعنی میزان توجه رسانه‌ها به لحاظ خبری و مخصوصاً به لحاظ تحلیلی‌های بی طرفانه و عمیق نسبت به همسایگان خیلی کم است. کم‌تر می‌دانند ایران می‌باید این مسائل را به مراتب بیشتر تعقیب کند، حال مسائل سیاسی و امنیتی یا حتی مسائل آب و محیط زیست و انرژی و ترابری و زمین و دریایی یا تحولات صنعتی و تجاری.

■ بیشتر نگاه‌های مابه سمت امریکا و اروپا است، مثل بحث گفت‌وگوی دینی، هم‌ااش به سمت مسیحیت غربی است به‌جای آنکه به مسیحیت بومی خاورمیانه نگاه‌کنند.
بله. بخش مهمی به این علت است. اصولاً در ایران به دلایل مختلف مسائل بدین‌گونه شکل گرفته‌اند. فرض کنید هم‌اکنون بزرگ‌ترین و مهم‌ترین طرف بازرگانی ما در حال حاضر چین است، ولی اطلاعات ما در مورد این کشور خیلی کم است. میزان اطلاعات ما، درباره چین به عنوان یک قدرت بزرگ نظامی و سیاسی، بلکه حتی به لحاظ اقتصادی واجتماعی و حتی به لحاظ مسأله مسلمان‌هایش بسیار اندک و اولیه است. مشکل فقط این نیست که مثلاً بخش‌های سیاسی یا نظامی یا اطلاعاتی ما احتمالاً درباره او کم می‌دانند، اساساً اطلاعات عمومی ما در سطح جامعه باید به مراتب بیش از این مقداری باشد که هست، می‌دانید در اسرائیل پیش از هر جامعه دیگری کتاب خوانده‌می‌شود.
■ از چه زمانی و چرا ترکیه سیاست دخالت و تأثیرگذاری در منطقه را آغاز کرد و سیاست «تنش صفر با همسایگان» را کنارزد؟
این از اوایل داستان انقلاب‌های بهار عربی است، اگرچه از همان ابتدا هم به دخالت وسوسه می‌شد، اما عملاً از نیمه دوم دهه دوم است که دخالت‌هایش آغاز شده. شاید اولین حضور نظامی‌اش در عراق مهمی است و رابطه سالم دو جانبه با آن خیلی مهم و بلکه ضروری است. صحبت در مورد ترکیه هم مفصل است و هم لازم. مثلاً سانه‌ها در مورد همسایگان‌مان خیلی کم می‌دانیم. فقط در مواقع بحرانی است که حساس است می‌شویم و اینکه چه شد و چه اتفاق افتاد.

■ بیشتر نگاه‌های مابه سمت امریکا و اروپا است، مثل بحث گفت‌وگوی دینی، هم‌ااش به سمت مسیحیت غربی است به‌جای آنکه به مسیحیت بومی خاورمیانه نگاه‌کنند.
بله. بخش مهمی به این علت است. اصولاً در ایران به دلایل مختلف مسائل بدین‌گونه شکل گرفته‌اند. فرض کنید هم‌اکنون بزرگ‌ترین و مهم‌ترین طرف بازرگانی ما در حال حاضر چین است، ولی اطلاعات ما در مورد این کشور خیلی کم است. میزان اطلاعات ما، درباره چین به عنوان یک قدرت بزرگ نظامی و سیاسی، بلکه حتی به لحاظ اقتصادی واجتماعی و حتی به لحاظ مسأله مسلمان‌هایش بسیار اندک و اولیه است. مشکل فقط این نیست که مثلاً بخش‌های سیاسی یا نظامی یا اطلاعاتی ما احتمالاً درباره او کم می‌دانند، اساساً اطلاعات عمومی ما در سطح جامعه باید به مراتب بیش از این مقداری باشد که هست، می‌دانید در اسرائیل پیش از هر جامعه دیگری کتاب خوانده‌می‌شود.
■ از چه زمانی و چرا ترکیه سیاست دخالت و تأثیرگذاری در منطقه را آغاز کرد و سیاست «تنش صفر با همسایگان» را کنارزد؟
این از اوایل داستان انقلاب‌های بهار عربی است، اگرچه از همان ابتدا هم به دخالت وسوسه می‌شد، اما عملاً از نیمه دوم دهه دوم است که دخالت‌هایش آغاز شده. شاید اولین حضور نظامی‌اش در عراق مهمی است و رابطه سالم دو جانبه با آن خیلی مهم و بلکه ضروری است. صحبت در مورد ترکیه هم مفصل است و هم لازم. مثلاً سانه‌ها در مورد همسایگان‌مان خیلی کم می‌دانیم. فقط در مواقع بحرانی است که حساس است می‌شویم و اینکه چه شد و چه اتفاق افتاد.

■ شامل کدام کشورها؟
شامل خاورمیانه غربی، شمال آفریقا و منطقه بالکان. در منطقه بالکان چون اکثر کشور‌هایشان به اتحادیه اروپا پیوسته‌اند یا عضو ناتو شده‌اند، این چندان ممکن نیست، اگرچه نفوذ اقتصادی ممکن است، اما چنانکه در روسیه و اوکراین و بلاروس و مولداوی اتفاق افتاد، ولی نقاط دیگری که بیشتر به آن توجه دارند، جمهوری آذربایجان یا یوگوسلاوی سابق مرکزی است. به‌اعتباری یک رویکرد قومی – دینی دارند. رویکرد قومی‌شان در آنجایی است که به اصطلاح ترک‌ها و نژاد ترک هستند. و رویکرد دینی‌شان در آنجایی است که به خاورمیانه

شامل خاورمیانه غربی، شمال آفریقا و منطقه بالکان. در منطقه بالکان چون اکثر کشور‌هایشان به اتحادیه اروپا پیوسته‌اند یا عضو ناتو شده‌اند، این چندان ممکن نیست، اگرچه نفوذ اقتصادی ممکن است، اما چنانکه در روسیه و اوکراین و بلاروس و مولداوی اتفاق افتاد، ولی نقاط دیگری که بیشتر به آن توجه دارند، جمهوری آذربایجان یا یوگوسلاوی سابق مرکزی است. به‌اعتباری یک رویکرد قومی – دینی دارند. رویکرد قومی‌شان در آنجایی است که به اصطلاح ترک‌ها و نژاد ترک هستند. و رویکرد دینی‌شان در آنجایی است که به خاورمیانه

■ آیا در بین اهل سنت هم این مسأله استثنا دارد یا همه مانند هم فکری می‌کنند؟
استناد در مورد سلفیان اهل حدیث است که حنبلی مسلک هستند. برای آنها آنچه مهم است اطاعت از اولی الامر نزدیک است. یعنی اولی الامر نزدیک به معنی آن کسی که حاکم کشورش است. اطاعت از او برایش واجب است. اینان عمدتاً در عربستان و برخی

عربی و شمال آفریقا مربوط می‌شود.
■ یعنی اهل سنت؟
بله. البته داستان آذربایجان و جمهوری آذربایجان یک مسأله مستقلی است با اینکه شیعه است و اکثریت‌شان شیعه هستند

■ مگر به دلیل قومیت‌شان نیست؟
بله. برای قومیتش سست و بهتر است بگوییم در مورد آذربایجان به دلیل زایش است نه به دلیل قومیتش. در آذربایجان بدان‌گونه‌که در آسیای مرکزی ترک هستند، دقیقاً مشابه‌با در آن نقش قابل قبولی در فرآیند آتش‌پس و صلح آن نداشتیم. در حالی که با طرفین درگیر و ناخچوان همسایه بودیم و اصولاً این بخش تا قبل از جنگ‌های ایران و روس متعلق به ما بود. از تاریخ و معناری و هنری آن کاملاً ایرانی است. در ایران نام فامیلی «قره‌باغی» فراوان یافت می‌شود یا نام فامیلی‌های دیگری که متعلق به شهرها و روستاهای قریب‌باد است و بعد از است این اسامی در ایران دو کشور یا در ترکیه با این وفور یافت‌شود. عجیب اینجا است که بعضی پیروزی جمهوری آذربایجان را تبریک گفتند. چنانکه قنتم آنچه موجود داشت غیر عادلانه و برخلاف قطعنامه‌های سازمان ملل بود، در این حرفی نیست. مسأله بر سر چگونگی حل مسأله است و نه اصل آن و حق یا باطل بودن آن. ما به دلایل مختلف می‌باید حضور فعال‌تری می‌داشتیم و مطمئناً تمامی کشور‌های اطراف آن را می‌پذیرفتند. براساس صرف حق و باطل بودن نمی‌توان سیاست خارجی را تعیین کرد. می‌باید نکات فراوان دیگری را در نظر داشت.

■ تاجه میران این تمایل به تأثیرگذاری در منطقه ناشی از تمایل به بازگشت به میراث تاریخی‌شان است؟ یا اینکه بازتاب‌های واقع به دنبال احیای خلافت‌هستند؟
ترک‌ها به هر صورت یک سابقه خلافتی را دارند. امپراطوری ترک‌ها پیش

- http://irannewspaper.ir
- editorial@irannewspaper.ir



عبدالله میرزایی

شد برای آنها مطلوب و بلکه محبوب بود. مهم‌ترین ظلم او تجاوزش به کشور همسایه و اشغال کامل آن بود. به هر حال اردوغان به دلایلی که اجمالاً گفته شد، می‌تواند برای توده اهل سنت یک رهبر ایده‌آل باشد و زیر چتر او درآیند، چراکه واجد ویژگی‌هایی است که بیان شد.
■ آیا این تئوری با تمرکز بر مسأله قدرت در اذهان عمومی به همان کیفیتی است که در ساختار اصلی‌اش پرداخته‌شده است؟
بلی در این مورد افکار و اعتقادات عمومی مسلمانان کم و بیش همانند افکار نظریه‌پردازان تئوری خلافت است و اتفاقاً این کمتر اتفاق می‌افتد، اما به دلیل مورد اشاره بودن، این دوبر یکدیگر منطبق شده‌اند. می‌دانید که عموم اهل سنت نماز جمعه را واجب می‌دانند و در خطبه‌های این نماز می‌باید برای خلیفه وقت دعا شود، اگرچه برای سلطان حاکم هم دعا می‌شود. حتی در دوران آل بویه که شیعه بودند، هم نام پادشاه در خطبه‌های می‌آمد هم نام خلیفه، بجز این نام خلیفه و سلطان بیزیر سکه‌ها ضرب می‌شد. این نشان دهنده جایگاه بسیار مهم خلافت است.

■ جایگاه اردوغان در نزد مسلمانان چگونه می‌باشد؟
مناطق شیخ‌نشین‌ها هستند. به لحاظ اعتقادی آنها می‌باید همین بن‌سلمان را با وجود تمامی اقدامات غیر اسلامی‌اش، بپذیرند. یکی از اینان اخیراً گفته بود اگر او در جلوی تلویزیون مشروب بخورد و فحش و فجور مرتکب شود، باز هم او واجب الاطاعه است. این مقدار زیادی از آن مبانی فقهی و کلامی حنبلی و سلفی نشأت می‌گیرد.

■ یعنی اهل سنت؟
بله. البته داستان آذربایجان و جمهوری آذربایجان یک مسأله مستقلی است با اینکه شیعه است و اکثریت‌شان شیعه هستند

■ مگر به دلیل قومیت‌شان نیست؟
بله. برای قومیتش سست و بهتر است بگوییم در مورد آذربایجان به دلیل زایش است نه به دلیل قومیتش. در آذربایجان بدان‌گونه‌که در آسیای مرکزی ترک هستند، دقیقاً مشابه‌با در آن نقش قابل قبولی در فرآیند آتش‌پس و صلح آن نداشتیم. در حالی که با طرفین درگیر و ناخچوان همسایه بودیم و اصولاً این بخش تا قبل از جنگ‌های ایران و روس متعلق به ما بود. از تاریخ و معناری و هنری آن کاملاً ایرانی است. در ایران نام فامیلی «قره‌باغی» فراوان یافت می‌شود یا نام فامیلی‌های دیگری که متعلق به شهرها و روستاهای قریب‌باد است و بعد از است این اسامی در ایران دو کشور یا در ترکیه با این وفور یافت‌شود. عجیب اینجا است که بعضی پیروزی جمهوری آذربایجان را تبریک گفتند. چنانکه قنتم آنچه موجود داشت غیر عادلانه و برخلاف قطعنامه‌های سازمان ملل بود، در این حرفی نیست. مسأله بر سر چگونگی حل مسأله است و نه اصل آن و حق یا باطل بودن آن. ما به دلایل مختلف می‌باید حضور فعال‌تری می‌داشتیم و مطمئناً تمامی کشور‌های اطراف آن را می‌پذیرفتند. براساس صرف حق و باطل بودن نمی‌توان سیاست خارجی را تعیین کرد. می‌باید نکات فراوان دیگری را در نظر داشت.

■ تاجه میران این تمایل به تأثیرگذاری در منطقه ناشی از تمایل به بازگشت به میراث تاریخی‌شان است؟ یا اینکه بازتاب‌های واقع به دنبال احیای خلافت‌هستند؟
ترک‌ها به هر صورت یک سابقه خلافتی را دارند. امپراطوری ترک‌ها پیش

■ بیشتر نگاه‌های مابه سمت امریکا و اروپا است، مثل بحث گفت‌وگوی دینی، هم‌ااش به سمت مسیحیت غربی است به‌جای آنکه به مسیحیت بومی خاورمیانه نگاه‌کنند.
بله. بخش مهمی به این علت است. اصولاً در ایران به دلایل مختلف مسائل بدین‌گونه شکل گرفته‌اند. فرض کنید هم‌اکنون بزرگ‌ترین و مهم‌ترین طرف بازرگانی ما در حال حاضر چین است، ولی اطلاعات ما در مورد این کشور خیلی کم است. میزان اطلاعات ما، درباره چین به عنوان یک قدرت بزرگ نظامی و سیاسی، بلکه حتی به لحاظ اقتصادی واجتماعی و حتی به لحاظ مسأله مسلمان‌هایش بسیار اندک و اولیه است. مشکل فقط این نیست که مثلاً بخش‌های سیاسی یا نظامی یا اطلاعاتی ما احتمالاً درباره او کم می‌دانند، اساساً اطلاعات عمومی ما در سطح جامعه باید به مراتب بیش از این مقداری باشد که هست، می‌دانید در اسرائیل پیش از هر جامعه دیگری کتاب خوانده‌می‌شود.
■ از چه زمانی و چرا ترکیه سیاست دخالت و تأثیرگذاری در منطقه را آغاز کرد و سیاست «تنش صفر با همسایگان» را کنارزد؟
این از اوایل داستان انقلاب‌های بهار عربی است، اگرچه از همان ابتدا هم به دخالت وسوسه می‌شد، اما عملاً از نیمه دوم دهه دوم است که دخالت‌هایش آغاز شده. شاید اولین حضور نظامی‌اش در عراق مهمی است و رابطه سالم دو جانبه با آن خیلی مهم و بلکه ضروری است. صحبت در مورد ترکیه هم مفصل است و هم لازم. مثلاً سانه‌ها در مورد همسایگان‌مان خیلی کم می‌دانیم. فقط در مواقع بحرانی است که حساس است می‌شویم و اینکه چه شد و چه اتفاق افتاد.

دارد، ترکیه برایش یک فرصت بزرگی است. یا در شکلش با مراکش که همیشه به سمت غرب بوده، باز برای او ترکیه یک پشتوانه مهم است. یا برای قطر در مقابل کشور‌هایی که او را تحریم کردند، واقعاً اگر ترک‌ها نبودند، بعید نبود که با وجود پایگاه امریکایی‌ها در قطر، بدان دست‌اندازی نظامی بکنند. لذا به هر صورت یک ترکیه نیرومند برای تعدادی از کشور‌ها مهم است و به کمک او نیاز دارند.

■ این روندی که هم‌اکنون ترکیه پیش گرفته چالش‌هایی پیش‌رویش است؟ مثلاً اینکه یک پایگاه نظامی در اختیار امریکا قرار می‌دهد درون خاک خودش و بعد از یک طرف تهدید به تحریم می‌شود، از یک طرف مائل عضو پیمان ناتو است و از یک طرف خرید و فروش سلاح با روسیه دارد. این مسائلی که به نظر تضاد در سیاست‌گذاری و روابطش با کشورهای دیگر دارد آیا نشان از عدم برنامه‌ریزی صحیح سیاسی است یا نشان از چالش‌هایی است که دچار آن است؟

خبر، چنین نیست. فقط به برخی از نکات اشاره می‌کنم. تمایل به تأثیرگذاری سیاسی و حضور نظامی ترکیه، عمدتاً طی دوران ترامپ است که اتفاق می‌افتد. هیچ کشوری به اندازه ترکیه از سیاست‌های منطقه‌ای ترامپ سود نبرد و این آمادگی را داشت که شرایط ایجاد شده و بهتر است بگوییم از هرج و مرج ایجاد شده، بخوبی بهره‌برداری کند.

نکته دوم این است که ترکیه خیلی خوب مانور می‌کند. به اصطلاح خوب موج‌سواری می‌کند. یک نمونه‌اش را بگوییم. لحن او نسبت به مکرون، لحن خیلی تندی بود. یعنی لحنی نیست که رهبران کشور‌ها یکدیگر را این چنین خطاب کنند. او بعد از دفاع تلویحی مکرون از داستان کاریکاتورها گفت که این خیلی تند بود و او سوشش را برد. این خیلی تند بود و او سوشش را برد به این معنی که بسیاری از مسلمانان در حال حاضر چنین سخنانی و مواضعی را دوست دارند. کسی که در مقابل غرب و یک قدرت غربی بایستد و او را تحقیر بکنند، از نظر آنها مطلوب است. این‌بالاخره امتیازی است بود که در افکار عمومی مسلمانان می‌یافت. گروه‌هایی از مسلمان‌ها، به دست آورد، به دنبال این جریان فرانسه سفیرش را فراخواند و اعتراض داشت تا آنکه آن داستان جوان نوتسوی که سه نفر را در نزدیکی یک کلیسا کشت و کمی بعد از داستان آن معلم فرانسوی، اتفاق افتاد که ترکیه آن را محکوم کرد. فرانسه گفت به دلیل اینکه ترکیه این جریان را محکوم کرد، ما سفیرمان را می‌فرستیم به آنکارا.

چند روز پیش‌تر گفت که فرانسوی‌ها می‌باید از شر مکرون که بار سنگینی است برایش آمده، خلاص شوند. این را برای آنها، خودشان را نجات دهند. این را گفت، ولی کمی بعد یکی از همکلاسی‌ها، فرانسوی‌ها را در میان می‌برد و به عنوان سفیر در پاریس معرفی کرد و عکس‌های ایام دانشجویی این دو را که دست در گردن یکدیگر دارند، منتشر کرد. می‌دانید کاملاً مانور می‌کند. اول یک چیز سنگینی می‌گوید، بعداً به نوعی به صورت غیرمستقیم آن را جبران می‌کند.

بالاخره نمونه دیگریش در مورد عربستان است. مطبوعات ترکیه پس از تحریم اقتصادی عربستان، نه تنها مطبوعات بلکه یکی از مشاوران خود اردوغان مقاله خیلی تندی را علیه سعودی‌ها نوشتند. بعد از اینکه سعودی‌ها در جریان زلزله اخیر کمک‌های انسانی فرستادند به‌نظر هم‌کار دارد و با توجه مقاله‌ای نوشت و اینکه ما با وجود همه مسائل برادریم و هم‌خانواده هستیم، به هر صورت خیلی سریع و موقع‌مانور می‌کنند.

نکته دیگر اینکه به نظر می‌آید، آنها روند تحولات را می‌شناسند و در مسیر آن حرکت می‌کنند. خود را گروگان حرف‌ها و مواضع‌شان نمی‌کنند.

■ بایان توصیفات آیا ممکن است در آینده تکفیری‌ها حتی با اردوغان بیعت‌کنند؟
با توجه به نکاتی که درباره اهمیت «قدرت» در تئوری خلافت گفته شد، بلی این امکان وجود دارد و با توجه به اینکه ایده‌آل بسیاری از افراد به هر صورت خیلی سریع و موقع‌مانور می‌کنند. نکته دیگر اینکه به نظر می‌آید، آنها روند تحولات را می‌شناسند و در مسیر آن حرکت می‌کنند. خود را گروگان حرف‌ها و مواضع‌شان نمی‌کنند.

■ بایان توصیفات آیا ممکن است در آینده تکفیری‌ها حتی با اردوغان بیعت‌کنند؟
با توجه به نکاتی که درباره اهمیت «قدرت» در تئوری خلافت گفته شد، بلی این امکان وجود دارد و با توجه به اینکه ایده‌آل بسیاری از افراد به هر صورت خیلی سریع و موقع‌مانور می‌کنند.